

نومبر
۱۲۱

درباره‌ی

شیطان (قسمت اول)

حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب علیشاه)

صد و شصت و سوم

پاییز ۱۳۹۲

فهرست

جزوه صد و شصت و نهم

درباره‌ی شیطان (قسمت اول)

عنوان

صفحه

در قرآن می‌گوید: دنبال قدم‌های شیطان نروید، برای اینکه او شما را به فحشا و منکر امر می‌کند / دیدن برهان رب حضرت یوسف را نگه داشت اگر نه به سمت زلیخا میل می‌کرد / در مورد گریز از شیطان می‌فرماید: اگر فضل و رحمت الهی نباشد یک نفر از شما پاک نمی‌شود / خداوند از اوّل به شیطان گفته است که تصرفی بر مخلصین نخواهی داشت / خداوند هر که را بخواهد پاک نگه می‌دارد. ۱۱.....

طبق آیه‌ی قرآن هر کاری می‌شود، خداوند بر آن مسلط است و خداوند اطلاع دارد / هیچ چیزی نیست جز اینکه در اختیار خداوند است / بعضی‌ها می‌گویند شیطان را هم چون بنده‌ی خداست و از طرف خدا ممتحن است، نباید لعنت کرد. البته این دیگر خیلی اغراق است، بستگی به حالت شخص دارد. ۱۳.....

می‌فرماید: وعده‌ی خدا حق است. مواظب باشید دنیا شما را مغرور نکند و شیطان شما را گول نزند. شیطان از اول دشمن شما بوده است چون شما باعث دوری او از درگاه خداوند شده‌اید / شیطان از هر طریقی می‌تواند اذیت کند مثلاً کسی

چیزی را زیاد گم کند. ۱۵

مخلص این است که با اراده‌ی خودمان اخلاص می‌ورزیم / مخلص این است که خداوند از شیطان خلاصش کرده و اخلاص را خداوند به او داده است / حضرت رسول در رأس مخلصین قرار دارد که می‌فرماید شیطان من به دست من مسلمان شد. خداوند به ما امید داده که همیشه به بهشت

امید و رجای بیشتری داشته باشیم. ۱۷

در قرآن می‌فرماید: کسی که از یاد خدا رو برگرداند و ذکر خدا را فراموش کند، یک شیطانی را بر او می‌گماریم که با او قرین و همراه است / هر چه بنده به خدا نزدیک‌تر باشد شیطان از اینکه بتواند او را فریب بدهد، خوشحال‌تر می‌شود / دل در اصل جای یاد خداست، اگر شیطان یک

لحظه ببیند که دل از یاد خدا غافل شد، فوری وارد می‌شود. ... ۱۹

شیطان در تمام مراحل درصدد گول زدن انسان است /

خداوند راه فرار از شیطان را توسط بندگان خاصّ خودش
(که امروز حضرت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَجَعَهُ الشَّرِيفَ است) برای مؤمنین

فراهم کرده است. ۲۱.....

آدمی که مسجودِ فرشتگان است از خاک زاییده می شود نه
از آتش. شیطان را خداوند به عنوان ممتحن آفریده است،
شیطان را برای تمام انبیاء و اولیاء فرستاده است و آنها را

امتحان می کند..... ۲۲.....

از شرّ شیطان هیچکس کاملاً محفوظ نیست زیرا خداوند
شیطان را تا روز قیامت مهلت داده است / باید همیشه به

خدا پناه برد که ما را از شرّ شیطان حفظ کند..... ۲۴.....

در ابتدا شیطان و فرشته فرقی با هم نداشتند و هر کدام
جلوه‌ای از امر الهی بودند / مادّه را که خداوند آفرید
ماوراء مادّه را هم که فرشته و شیطان باشند آفریده بود،
مخلوط اینها که چیز جدیدی بود، انسان شد / شیطان
مظهر چون و چرایی است / شیطان که از وجود ما دست
بر نمی دارد، ما می توانیم از او دست برداریم یعنی کاری که
به سمت شیطان است انجام ندهیم / درباره‌ی اینکه چطور
مسأله‌ی عرفان و ولایت، جهانی و همه گیر می شود / خدایا

ما را از شرّ شیطان حفظ کن نه اینکه بگوییم خدایا شیطان
 را از بین ببر/ داستان مسلمان شدن علی علیه السلام و اجازه‌ی از
 پدر/ در مورد اینکه احترام به پدر و مادر در چه زمانی به
 صورت شیطانی خواهد بود/ رقابت و خصلت‌های شیطانی..... ۲۵
 یک صفت بد و یک انحراف ممکن است چندین انحراف
 دیگر بیاورد/ خداوند متکبر است چون کبیری بالاتر از او
 نیست ولی تکبر شیطان موجب شد که بیرون برود/
 مخلصون که از شیطان در امان هستند، فقط کسانی
 نیستند که معصومند و اصلاً گناه ندارند بلکه کسانی که گناه
 می‌کنند ولی توبه می‌کنند و پاک می‌شوند و خدا آنها را
 می‌بخشد نیز جزء مخلصون هستند، اینها کم نیستند پس
 نگران نباشید/ خداوند خیر مطلق است، از او جز خیر و
 خوبی زاییده نمی‌شود. ۳۴
 شیطان می‌داند که اگر به دوستانش اظهار محبت کند، آنها
 را در دوستی خودش محکم می‌کند/ در مورد وسوسه‌ای که
 شیطان در دل‌ها می‌کند/ شیطان گناه را در نظر ما لذیذ
 جلوه می‌دهد یا گناه کردن را در نظر ما آسان جلوه می‌دهد..... ۳۷
 خداوند گناه شیطان را نبخشید چون جسارت کرد و گمراهی

- را به خدا نسبت داد و گفت پروردگارا چون مرا گمراه کردی،
 ۳۸ من هم آدم را گمراه می‌کنم / در مورد معنی «کلمه»
- درباره‌ی شیطان پرست‌ها و آنهايي که از بعضی خصوصیات
 شیطان تعریف‌هایی می‌کنند / اینکه شیطان همه چیز را از
 خدا می‌دانست معلوم می‌شود درجه‌ی فهم و درک او عالی
 بود / شیطان خطا کرد، بدی‌ها را هم به خدا نسبت داد،
 ۴۰ خود را یکی حساب کرد و خدا را هم یکی.
- شیطان دشمن ماست و ما هم دشمن او هستیم، منتها
 دشمنی است که از اطاعت خدای خود خارج نشده یعنی
 خدا او را مأمور آزمایش همه‌ی افراد بشر کرده است / خداوند
 شیطان را یک ممتحن سخت‌گیر آفریده ولی ممتحن
 سخت‌گیر هم با شاگردی که همه‌ی درس‌های خود را
 ۴۲ خوانده کاری ندارد.
- حسادت هم یکی از ابلیس‌ها است که وقتی تخطی از امر
 خدا باشد نام آن حسادت است و الهی نیست / درباره‌ی
 معنی عدل و ظلم / شیطان در مقابل خدا ادعا کرد که من
 هم یکی مثل تو / سجده بر روح خدا است و نه سجده به آب
 و گل / عدالت خواهی در فطرت بشر است / در واقع خداوند

خلافت و نمایندگی خود را به کسی نداد، اصلاً خود خدا بود
که جزئی از خود را در بشر آفرید که در ارض خلافت کند /
تفاوت حسادت با فعالیت و رقابت. ۴۴
فهرست جزوات قبل ۵۱

با توجه به آنکه حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه) پاسخ نامه‌ها و سؤالات را، عموماً در جلسات فقری بیان می‌فرمایند و امکان پاسخ جداگانه به تک تک نامه‌ها و سؤالات نمی‌باشد، لطف نمایید مطالب جزوات بیانات را قبل از طرح سؤال به دقت مطالعه بفرمایید. فقط کسانی جزوات را بگیرند که مطالعه می‌کنند، نه اینکه بگیرند و گوشه‌ای بگذارند.

خواهشمند است به منظور دسترسی هر چه بیشتر علاقه‌مندان به خصوص فقرا و سایر مؤمنین به این جزوه و سایر جزوات بیانات، در صورتی که بیشتر از یک جلد موجود دارید، لطف نموده به سایرین هدیه نمایید. با توجه به آنکه تهیه‌ی جزوات بیانات، مستقل از هر مؤسسه‌ی خیریه و انتشاراتی صورت می‌گیرد، خواهشمند است جهت اعلام سفارش و آشنایی با نحوه‌ی اشتراک، با شماره‌ی تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ تماس حاصل فرمایید.

بدینوسیله از همه‌ی کسانی که در تکثیر این جزوه و سایر جزوات بیانات، توفیق خدمت مالی داشته‌اند، سپاسگزاری می‌شود. مطالعه‌ی جزوات از طریق سایت اینترنتی ذیل نیز امکان‌پذیر می‌باشد. در این سایت، جزوات به تفکیک و شامل: مجموعه‌ی جزوات گفتارهای عرفانی، مکاتیب عرفانی، شرح رساله شریفه پندصالح، گفت‌وگوهای عرفانی، جزوات موضوعی (استخاره، اختلافات خانوادگی، حقوق مالی و عشریه) و... می‌باشد. همچنین در این سایت امکان جستجوی موضوعی در خصوص مطالب مورد نظر، نیز وجود دارد.

WWW.JOZVEH121.COM

هر کسی نامه می نویسد یا مطلبی می گوید، توقع دارد که جواب آن را بدهم و لااقل همان پنج خط که او نوشته، من دو خط بنویسم. همان را هم نمی رسم. الان مدتی است دیگر تقریباً نمی توانم بنویسم. خواهش کردم به فهرستی از مطالب گفته شده که هر مرتبه پیاده می شود و منتشر می گردد نگاه کنند، حتماً راجع به مطلب سؤال شده، صحبت کرده ام. دیگران هم که سؤالات مشابه دارند استفاده کنند. برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۸۷/۹/۳۰ ه. ش.

یکی پرسیده که دوبار نامه نوشته ام جواب ندادید. آخر می گویند التماس دعا، من جواب این را چه بگویم؟ جوابی ندارید. همان فرمایش حضرت صالح علیشاه که یکبار گفتم. فرمودند: همان لحظه ای که آنها سلام می رسانند، التماس دعا می گویند، همان لحظه، دعا و خواسته شان به ما رسیده است.

فرض کنیم از هر کسی یک سؤال می رسد. اگر در جواب اینها، یک خط هم بنویسیم، خود این یک کتاب بزرگی می شود. این است که توقع اینکه برای هر سؤال، خود آن شخص را بخواهیم و با هم صحبت کنیم، نمی شود این کار را کرد، نمی رسم.

بنابراین درباره ی سؤال که در ذهنتان پیدا می شود، حتماً جواب داده ام. این جزوه هایی هم که درمی آید، بپرسید که چه موقعی جواب داده ام، همان را بگیرید بخوانید و بعد اگر پیدا نکردید آنوقت بیایید و بپرسید. مثلاً می نویسند شش بار نامه نوشتیم، جواب ندادید. بله، اگر ده بار هم مطلبی که مربوط به من نیست را بنویسید، چه جوابی بدهم؟

برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۲/۲/۴ ه. ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^۲

در آیات اول سوره‌ی نور می‌گویید: دنبال قدم‌های شیطان نروید؛ خُطُوَاتِ یعنی قدم‌ها. مثلاً چند نفر می‌خواهند از یک جای گلی رد بشوند، آن کسی که جلو می‌رود که درست رفت، آن‌های دیگر سعی می‌کنند پا جای قدم او بگذارند که فرو نروند. معلوم می‌شود آن مسیر امتحان شده است، خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ یعنی دنبال‌ه‌ی قدم‌های شیطان را گرفتن. می‌گویید: دنبال گام‌های شیطان را نگیرید برای اینکه او شما را به فحشا و منکر امر می‌کند. منتها در دنبال‌ه‌اش می‌گوید: نه اینکه این شما هستید که از شیطان گریز دارید (البته شما باید گریز داشته باشید) منتها اگر فضل و رحمت الهی نباشد یک نفر از شما پاک نمی‌شود. این البته برای ماست. معصومین معصوم هستند. خداوند از اول هم نگاه‌شان می‌دارد ولی مع‌ذلک در مورد معصومین هم شبیه این مطلب می‌آید، مثلاً درباره‌ی حضرت یوسف می‌گوید: لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ^۳، اگر نبود که

۱. برگرفته از شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم، تاریخ ۱۳/۴/۱۳۷۶ ه. ش.

۲. سوره نور، آیه ۲۱.

۳. سوره یوسف، آیه ۲۴.

یوسف برهان الهی را دید، به سمت زلیخا میل می‌کرد. دیدن برهان رب، او را نگه داشت. (حالا اینکه چطور شد، آنوقت دید، قبلاً دید؟ اینها بحث جداگانه و مفصّلی است.) خداوند می‌خواهد نشان بدهد که پیغمبران هم که معصوم هستند فضل و رحمت الهی در مورد آنها وجود دارد و خود خداوند از اوّل به شیطان گفته است که تصرّفی بر مخلصین نخواهی داشت. قرآن مجید اینجا می‌گوید: **وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْنَا وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^۱**، خداوند هر که را بخواهد پاک نگه می‌دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُوْمِنُ بِآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ.^۲

منظور قرآن این است که هر کاری می شود، خداوند بر آن مسلط است، خداوند اطلاع دارد. این برای آن است که بفهمیم که کی خوب است و کی بد است. بفهمیم نه اینکه خداوند العیاذ بالله نمی فهمد، نه! بفهمیم یعنی امتحان کنیم. آنوقت ممتحنی دارد. از همین آیاتی که اینجا هست فهمیده می شود. می فرماید: شیطان می آید، وسوسه می کند برای اینکه ما بفهمیم کی خوب است کی بد، که این شیطان هم بنده ای است از بندگان خدا. شاید توجه به اینکه هیچ چیزی نیست جز اینکه در اختیار خداوند است بعضی ها را کشانده به اینکه راجع به ابلیس هم معتقد بشوند، ابلیس هم بنده ای خداست چه بسا که در آخر خداوند او را ببخشد چون در اینجا وظیفه ی ممتحن گفتن است. از این آیه این وظیفه فهمیده می شود و این هم که فرموده اند که پیغمبر فرمود: شیطانی اسلم بیدی، شیطان من به ید من تسلیم شد، مسلمان شد. علامت این است که این ممتحن امتحاناتش را کرد و فهمید که این شاگرد از

۱. برگرفته از شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم، تاریخ ۱۳۷۶/۸/۲ ه. ش.

۲. سوره سبأ، آیات ۲۱-۲۰.

این شاگردها، مثل اینهای دیگر نیست. آنوقت تسلیم می‌شود که خود شیطان هم می‌گوید که من همه‌ی بندگان را گمراه می‌کنم مگر عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ^۱، بندگان مُخْلِصَت را. وقتی فهمید که این پیغمبر از بندگان مُخْلِص خداوند است و سرخیل این بندگان است دیگر خودش می‌داند که کاری نمی‌تواند بکند تسلیم می‌شود. بنابراین بعضی‌ها می‌گویند شیطان را هم، چون بنده‌ی خداست و ممتحن است از طرف خدا، او را هم نباید لعنت کرد. البته این دیگر خیلی اغراق است، بستگی به حالت شخص دارد.

۱. سوره حجر، آیه ۴۰ / سوره ص، آیه ۸۳.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ
بِاللَّهِ الْعُرُورُ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ
أَصْحَابِ السَّعِيرِ^۲

خداوند در قرآن خطاب به مردم می فرماید: خداوند به شما وعده‌ای داده، وعده‌ی خدا حق است. مواظب باشید دنیا شما را مغرور نکند. شیطان شما را گول نزند برای اینکه شیطان از اول دشمن شما بوده است چون شما باعث دوری او از درگاه خداوند شدید. این است که با شما دشمن است اگر بتواند شما را به سمت خودش می کشاند نتواند برای مؤمن خیلی گرفتاری ولو گرفتاری‌های کوچک فراهم می کند که همیشه او را نیش بزند، اذیت کند. یکی از این گرفتاری‌ها که در عرف عامه هست این است که مثلاً کسی چیزی گم کند، زیاد گم کند. مرحوم مادر بزرگ ما کلید خیلی گم می کردند گفتند از اول جوانی هم همینطور بوده و ناچار می شدند مرتب قفل را بشکنند. یک صندوق از قفل‌های شکسته داشتند. خیلی زیاد گفتند منتها هیچ ناراحت نمی شدند. می گفتند: پدرم (یعنی مرحوم آقای سلطان علی شاه) فرموده اند: چون تو ایمانت قوی است (حالا با چه عبارتی) شیطان نمی تواند

۱. برگرفته از شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم، تاریخ ۱۶/۸/۱۳۷۶ ه. ش.

۲. سوره فاطر، آیات ۶-۵.

تو را گول بزند از این راه اذیتت می‌کند. این است که در عرف عامّه هست (ما، در گناباد هم می‌گوییم) وقتی چیزی گم می‌کنیم می‌گوییم: «شیطان، شیطان حیا کن؛ مال ما را پیدا کن» یعنی فضولی کردی بر ما و یا استعاذه کند؛ اَعُوذُ بِاللّٰهِ بگوید. حالا آثار معنوی اش را کاری نداریم، این نشان دهنده‌ی این است که شیطان از هر طریقی می‌تواند اذیت کند. آنهایی را که گول می‌زند دیگر گول زده، خود آن بالاترین اذیت است. آنهایی را که نتواند، از طرق مختلف در زندگی گول می‌زند. یکی از اینها این است که کار خطا می‌کند ولی کار خطایش را خوب می‌بیند؛ اَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا.^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

مُخْلِص این است که ما با اراده‌ی خودمان اخلاص می‌ورزیم. حالا خدا این توفیق را بدهد و ما این اخلاص را داشته باشیم. مُخْلِص این است که خداوند از شیطان خلاصش کرده و اخلاص را خداوند به او داده است. شیطان می‌گوید: با آنهایی که مُخْلِص تو هستند (به یک معنا شاید هم آن «برگزیدگان تو» می‌شود گفت) جز با اینها (یعنی می‌فهمد که به اینها نمی‌تواند، دسترسی ندارد) جز اینها همه‌شان را اغوا می‌کنم. اینجا یک معنای اینکه حضرت رسول فرمودند که شَيْطَانِي أَسْلَمْتُ بِيَدِي، شیطان من به دست من مسلمان شد. مسلمان شد یعنی تسلیم من شد، این همین است که از مُخْلِصین است. حضرت در رأس مُخْلِصین قرار دارد. شیطان خودش مستثنی کرده، فهمیده که اینها را نمی‌تواند گمراه کند. خداوند هم در مقابل به او قسم می‌دهد می‌گوید: من هم حق می‌گویم حتماً جهنم را از تو و پیروان تو پر خواهم کرد.

اینجا یکی، دو بار گفتم که باعث امیدواری ما باشد برای اینکه خداوند نگفته جهنم چقدر است می‌گوید جهنم را پر خواهم کرد. شاید جهنم یک اتاق سه در چهار باشد ولی بهشت را فرموده: جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ^۲، بهشتی که به اندازه‌ی همه‌ی جهان

۱. برگرفته از شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم، تاریخ ۱۳۷۶/۹/۲۸ ه. ش.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۳۳.

است. بنابراین به ما امید داده که همیشه به بهشت امید و رجای بیشتری داشته باشیم. گواينکه خداوند قسم خورده که جهنم را پُر کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

وَمَنْ يَعُشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِصُ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ^۲، کسی که از یاد خدا رو برگرداند و ذکر خدا را فراموش کند، یک شیطانی را براو می‌گماریم، این شیطان با او قرین و همراه است. برای اینکه مؤمن ممکن است خطاهایی و گناهای بکند. چون ما معصوم که می‌گوییم در اسلام، چهارده نفر هستند؛ به اضافه‌ی انبیای سلف. دیگران معصوم نیستند خطاهایی ولو جزئی ولو کوچک می‌کنند. خداوند وعده کرده است که اینها را می‌بخشد، رویشان را می‌پوشاند.

آن کسی که عالماً و عامداً گناه می‌کند غیر از خود آن گناه که بر آن وزر و وبالی هست همین تجزّی که پیدا می‌کند (جرات و جسارت این کار را پیدا می‌کند) آن هم خودش یک گناه است. حالا برای کسانی که ذکر خدا همیشه با آنها هست، خداوند گفته است که این چیزها را می‌پوشانیم؛ یا در اثر توبه می‌بخشیم، توبه هم فقط به لغت استغفرالله نیست، از صمیم دل باید توبه کرد ولی اینجا می‌فرماید: وَمَنْ يَعُشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ يَعْنِي اصْلاً یاد خدا را فراموش کند و در این وادی فراموشی گناهای را انجام بدهد،

۱. برگرفته از شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم، تاریخ ۱۳۷۷/۱/۲۱ ه. ش.

۲. سوزه زخرف، آیه ۳۶.

خداوند چه کار می‌کند؟ شیطان و زاد و ولدش همیشه مترصد هستند مترصد دلِ همه هستند به خصوص دل مؤمن چون هر چه بنده به خدا نزدیک‌تر باشد شیطان از اینکه بتواند او را فریب بدهد خوشحال‌تر می‌شود. اگر یک لحظه ببیند که دل از یاد خدا غافل شد، فوری وارد می‌شود. دل در اصل جای یاد خداست جای خداست که به عنوان سَمبُلِیک می‌گویند که وقتی خداوند آدم را آفرید همه‌ی فرشتگان و... در داخل بدن رفتند و از رگ و پِی‌اش عبور کردند همه جاها را دیدند. شیطان همه جا را نگاه کرد یک جایی دید در قفل است. گفت: خلاصه که ما می‌خواهیم اینجا را هم ببینیم. خطاب رسید که اینجا جای تو نیست. اینجا جای من است و آن دل مؤمن است. کسی که از این یاد خدا غافل شود خداوند یک شیطانی را بر او می‌گمارد که این شیطان همیشه همراهش هست. غیر از شیطانی است که برای یک مؤمنی، گاهی می‌آید یک سنگی جلوی پایش می‌اندازد یک ضربه به آن می‌زند بعد این مؤمن با تذکر به ذکرش و یاد خدا او را دور می‌کند ولی آن کسی که از یاد خدا غافل باشد این شیطان را خداوند برایش همیشه قرین قرار می‌دهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

با عرض سلام، نامه‌ی شما رسید. در مورد خوابی که نوشته بودید، توجه کنید که خداوند خود فرموده است: نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ^۲، یعنی از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است. به همین نحو شیطان را هم مهلت داده است که تا آخر عمر دنیا و عمر ما به ما نزدیک شود و درصدد اغوای ما باشد. بنابراین نزدیک بودن شیطان به شما امر تازه‌ای نیست یک واقعیت است که در خواب، پرده از روی آن برداشته شده است. اما خداوند در مقابل، راه فرار از شیطان را توسط بندگان خاص خودش (که امروز حضرت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ است) برای مؤمنین فراهم کرده و بنابراین همین که خداوند عبای حضرت را بر روی شما کشانده است معلوم می‌شود که در ذیل عنایت آن حضرت ان شاء الله خواهید بود، ولی بدانید که شیطان در تمام مراحل درصدد گول زدن انسان است. حتی گاهی با نماز، گاهی با روزه انسان را گول می‌زند و گاهی با کبر و غرور به جان انسان می‌افتد. از همه‌ی اینها باید حذر کنید.

۱. برگرفته از مکاتیب عرفانی، تاریخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۵ ه. ش.

۲. سوره ق، آیه ۱۶.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ.^۱

«حقیقت ۳۶» [صالحیه] اشاره به گفته‌ی ابلیس است در مقابل امر خداوند به سجده‌ی آدم که عرض کرد: خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ^۲. شیطان نار را برتری داد. او دید که آتش، هر شیئی را که درونش بیندازند تبدیل به آتش می‌کند ولی ندید که آتش، آتش را، همجنس خود و در خود هضم می‌کند. بدین جهت شاید امیدوار بود که اگر هم خطا کند به آتش جهنم نخواهد افتاد. خاک گرچه به قول مشهور پست است و آتش رو به علو می‌باشد، ولی خاک امکان ترقی و تعالی دارد ولی آتش از آن جهت تفاوتی نمی‌کند، همیشه همان است که بوده و رو به کمال نمی‌رود. خاک تبدیل به گیاه، تبدیل به حیوان، تبدیل به انسان می‌شود؛ البته نه همه‌ی خاک‌ها و همه‌ی گیاهان و همه‌ی حیوانات، بلکه به همان ترتیبی که فرموده‌اند. به هر جهت آن آدمی که مسجود فرشتگان است از خاک زاییده می‌شود نه از آتش.

و اما در مورد شیطان؛ شیطان را خداوند به عنوان ممتحن آفریده است، شیطان را برای تمام انبیاء و اولیاء فرستاده است و آنها را امتحان می‌کند. اما انبیاء و ائمه که معصوم هستند شیطان

۱. برگرفته از مکاتیب عرفانی، تاریخ ۱۹/۹/۱۳۷۸ ه. ش.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۲ / سوره ص، آیه ۷۶.

نمی‌تواند آنها را از راه به در ببرد. خداوند می‌فرماید: فقط بر بندگان مخلص من تسلط نخواهی داشت. نه اینکه شیطان پیش آنها نمی‌رود بلکه به نزد آنها می‌رود و قصد دارد آنها را گول بزند ولی آنها گول نمی‌خورند؛ کما اینکه به نزد عیسی عَلَيْهِ السَّلَام رفت، نزد ابراهیم رفت (که من یک صحبت مفصل راجع به امتحانات حضرت ابراهیم کردم که به نظرم در مجله‌ی *عرفان/ایران* چاپ شده است) خداوند در واقع اگر شیطان را نمی‌آفرید انسان‌ها به اختیار خود در واقع بهشت را ممکن بود انتخاب کنند ولی کارشان ارزشی نداشت. بدین معنی که مانند مهره‌ی شطرنج هستند نه اینکه جاندار باشند. خداوند شیطان را آفریده است و هشدار هم داده است. کسی که به این هشدار توجه کند از شر شیطان راحت است. اینکه پیغمبر فرمود: شیطانی *أَسْلَمَ بِيَدِي* منظور این است که بعد از امتحاناتی که شد، شیطان که دید در اینجا نمی‌تواند تصرفی کند، تسلیم شد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

با عرض سلام. نامه‌ی شما رسید. از اینکه در فکر اصلاح خود هستید خرسند شدم. امیدوارم در این امکانی که فعلاً برایتان فراهم شده است که گوشه‌ی خلوتی داشته باشید، به خود و خدای خود بیندیشید و یادداشت کنید که دیگر مرتکب خطا نشوید. اما از شرّ شیطان هیچکس کاملاً محفوظ نیست زیرا خداوند شیطان را تا روز قیامت مهلت داده است. فقط او برمخلصین (مخلص، نه مخلص) تسلّطی ندارد ولی باید همیشه به خداوند پناه برد که ما را از شرّ شیطان حفظ کند.

۱. برگرفته از مکاتیب عرفانی، تاریخ ۱۳۷۹/۶/۱۵ ه. ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

در ابتدا فقط جلوه‌ی معنوی خداوند بود، در آن جلوه شیطان و فرشته یکی است، الان هم که فکر کنیم شیطان و فرشته هر دو از عوالم غیرمادّی هستند و از یک جا؛ در آن مقام هنوز خداوند دو راه به سوی خود نیافریده بود که بگوییم: این راه فرشته‌ها و این راه شیطان و خداوند خود فرمود: أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ^۲، یعنی دو چشم و یک زبان و دو لب برای انسان قرار دادیم و هر دو راه را به او نشان دادیم و گفتیم: این راه اینطور است و آن راه آنطور و هنوز هیچ راه دیگری نبود. «یکی بود یکی نبود». به دنباله‌ی آن برای اینکه کاملاً متوجه شویم، می‌گوید: «غیر از خدا هیچکس نبود».

بعد چطور می‌شود که شیطان (حالا سال را که ما از گردش کرات و شمس و اینها حساب می‌کنیم) گفت: هفتصد هزار سال خداوند را در صف فرشتگان عبادت کردم. آیا خدا نفهمید که او شیطان است؟ چون در آنجا بود و با فرشتگان فرقی نداشت، شیطان و فرشته فرقی با هم نداشتند و هر کدام جلوه‌ای از امر الهی بودند. بعد خداوند مادّه را آفرید. اوّل ماوراء مادّه را آفرید که همین شیطان و فرشته‌ها باشند که عبادت می‌کردند، بعد مادّه را آفرید.

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه، ۱۳۸۶/۱۱/۱۰. ش.

۲. سوره بلد، آیات ۱۰-۸.

ماده را که آفرید، انسان‌ها را هم از این ماده خلق کرد. وقتی ماده را آفرید، می‌خواست آن خلقت قبلی خود که خلقت فرشته یا خلقت ماوراء ماده است، آن را با ماده ترکیب کند، ماده را آفریده بود، ماده جداگانه برای خود بود، کوه‌ها، دریاها و آب‌ها بودند، همه چیز بود، فرشتگان و شیاطین برای خود بودند، اینها هم برای خود بودند، بعد خدا خواست از مخلوط اینها چیزی درست کند، که ما باشیم. وقتی ماده و ماوراء ماده را با هم مخلوط کرد که انسان را بیافریند، در اینجا صف فرشتگان دو تا شد. ماده که اصلاً درک و اراده و عبادت ندارد و بی‌روح است، اما فرشتگان (ماوراء ماده) را عبادت می‌کنند، همه‌ی این نیروها که در جهان هستند مثل: نیروی جاذبه و نیروی سوزاندگی آتش همه‌ی این نیروها در اختیار خداوند هستند و از دستوری که خداوند داده تجاوز نمی‌کنند؛ هرگز آب نمی‌سوزاند و هرگز آتش حیات نمی‌دهد؛ آتش می‌سوزاند و آب حیات می‌دهد و امثال اینها هر کدام جداگانه. خداوند این موجود جدید (یعنی ماده) را آفریده بود، ماوراء ماده را هم که فرشته و شیطان باشند، آفریده بود؛ مخلوط اینها که چیز جدیدی بود، انسان شد. به قول شاعر:

آدمیزاده طرفه معجونى است

کز فرشته سرشته وز حیوان

حالا دنباله اش را کار نداریم. در صف فرشتگان طغیانی ایجاد شد و عده ای از فرشتگان به نیت خود و عبادت خود ادامه دادند و هر چه خداوند گفت کردند. آنها اطاعت و سجده کردند، اما شیطان سجده نکرد. شیطان مظهر چون و چرایی است. اینهایی که شیطان پرست هستند، از این حرف ها سوء استفاده کرده و می گویند شیطان مظهر عقل و استدلال است که گفت: من از او بهتر هستم، چرا سجده می او کنم؟ خداوند به او غضب کرد و غضبش بر او ظاهر شد و الا اگر رحمت او ظاهر شده بود، یک خرده او را سر عقل می آورد، ولی غضب او بود و گفت: اینجا، یعنی عالم ملکوت، جای اینکه من از تو بهترم یا نه نیست؛ این است که صف او را از آنها ی دیگر جدا کرد؛ از اینجا بین شیطان و شیطنت با انسان جنگ و جدالی ایجاد شد، شیطان با ماده کاری نداشت؛ ماده در صف خود بود و شیطان هم در صف فرشتگان، با هم کاری نداشتند، او یک مخلوق بود این هم یک مخلوق و با هم تعارضی نداشتند؛ ولی از وقتی که خدا از فرشته و از ماده، آن معجون را درست کرد، آنوقت فرشته ها دو صف شدند که شیطان با انسان تعارض پیدا کرد و خداوند هر دو گروه (انسان و شیطان) را به زمین فرستاد.

البته آنوقت زمین موجود زنده نداشت، می گویند: فرشتگان

همه در اینجا بودند و خداوند آنها را فرستاد جای دیگری و زمین را برای انسان‌ها خالی کرد و گفت: بر این زمین تو را خلیفه قرار دادم و بر سایر جاها نفرمود؛ ممکن است بعد خلیفه قرار داده باشد؛ آن وقتی که بشر را بیرون کرد، شیطان را هم با او فرستاد تا اینجا این داستان‌ها را ما به اعتبار اینکه قرآن گفته، قبول می‌کنیم. برای بعد از این هم خیلی مطالب گفته است.

شیطان را خداوند تا روز قیامت مهلت داده، بنابراین شیطان از جان ما دست بر نمی‌دارد، ولی شیطان که از وجود ما دست بر نمی‌دارد، ما می‌توانیم از او دست برداریم؛ یعنی کاری که به سمت شیطان است انجام ندهیم، بنابراین مسأله‌ی عرفان و ولایت که می‌گوییم جهانی است، جهانی هست منتها در روزگاری که دیگر ماده تدریجاً محکوم به از بین رفتن باشد و همه برگردد به عالم ماوراء ماده که در آنجا یک گروهی اینطور شود و یک گروه آنطور؛ منتها فرض کنید الان که زمستان است شما می‌گویید: همه جای ایران یخبندان و سرد شده، ممکن است یک نقطه‌ی کوچکی در وسط کویر باشد که خیلی گرم هم باشد، شما یا نمی‌دانید یا اگر بدانید آنقدر کوچک است که توجه نمی‌کنید. وقتی هم ما می‌گوییم عرفان همه گیر و همه جایی می‌شود به این معناست که ممکن است عده‌ای باشند که همیشه مخالف عرفان باشند، آنها

همان شیطان هستند، خداوند شیطان را که از زمین بیرون نکرده، بلکه او را با آدم به زمین فرستاده، پس این شیطان‌ها در اینجا هستند و شیطان هست و کار خود را می‌کند، چرا ما مأمور او و از لشکریان او باشیم؟

بحث ما این است که غصه‌ی شیطان را نخورید برای اینکه او به اندازه‌ی کافی همیشه لشکر دارد؛ اگر یک لشکر از لشکریان او خواست بیاید بیرون و جزء مخالفان ولایت قرار بگیرد، خداوند به او مجال و مهلت می‌دهد، ولی همانوقت عده‌ای دیگر جزء لشکر شیطان می‌شوند؛ این است که می‌گوییم: خدایا، ما را از شرّ شیطان حفظ کن، نه اینکه خدایا شیطان را از بین ببر. آخر بعضی می‌گویند: خدایا شیطان را از بین ببر، نه. آن شیطانی که پیغمبر می‌گوید: شیطانی اسلم علی یدی؛ شیطان من به دست من تسلیم شد. مگر هر کسی یک شیطان دارد؟ اگر شیطان، شیطان است پس چطور تسلیم شده؟ شیطان اگر آن ایام اولیه هر وقت به خدا می‌گفت: نفهمیدم، هر شیطانی می‌گفت، خدا قبول می‌کرد. آن شیطان بزرگ که به اصطلاح در رأس همه‌ی شیاطین است اسم او «ابلیس» است، این‌های دیگر شیطان‌های فراوانی تابع او هستند، در رباعی مشهوری دنیا را به وجودی که جسمی و روحی و دست و پای دارد تشبیه می‌کند و شاعر می‌گوید:

حق جان جهان است و جهان جمله بدن
اصناف ملائکه قوای این تن
افلاک و عناصر و موالید، اعضاء
توحید همین است و دگرها همه فن

«اصناف ملائکه قوای این تن» قوایی که در بدن انسان هست از اصناف ملائکه است و خداوند این قوا از اصناف ملائکه را با آن ماده مخلوط کرد. ما نمی‌گوییم که خدا مثل ما آدم‌ها دست توی کیسه کرد و این قوا را برداشت، نه ولی خداوند عالمانه قوایی را برداشت و در این خمیره گذاشت، مهربانی گذاشت، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، رحمانیت گذاشت، حتّی خلاقیت گذاشت. خلاقیت این است که ما انسان‌ها تولید مثل می‌کنیم و مثل خود فرزند به دنیا می‌آوریم؛ حسد گذاشت، همه‌ی اینها را در هر بشری گذاشت، خمیره‌ی انبیاء و اولیاء هم که جداگانه نیست، از همین خمیره است، یعنی همه‌ی این صفات در آنها هم هست. ممکن است یکی به سمت این خصلت برود و دیگری به سمت آن خصلت یا عوض کند که تمام اعمال ما را به همین حساب می‌شود بررسی کرد.

مثلاً این داستان را شنیده‌اید که پیغمبر به علی که کوچک بود و زیر دست پیغمبر بزرگ شد و علی مثل فرزند پیغمبر بود

فرمود: بیا شهادتین بگو: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. علی فرمود: چشم اجازه بدهید بروم از پدرم بپرسم. پیغمبر فرمود: باشد. انگیزه‌ی اینکه پیغمبر این حرف را زد، وظیفه‌ای بود که خدا به او محوّل کرده بود و علی که این حرف را زد انگیزه‌ی او این بود که احترام پدر را باید نگه داشت. بعد رفت دم در و برگشت و گفت: شهادتین را می‌گویم. پیغمبر پرسید: پس چرا دنبال پدر نرفتی؟ گفت: من فکر کردم و دیدم آن روزی که خدا من را ساخت، از پدر من اجازه نگرفتم، حالا هم که من می‌خواهم بگویم خدایی هست، چرا از پدرم اجازه بگیرم. مقایسه کرد بین این وظیفه و آن وظیفه، پس وظایف هم ممکن است تسلیم شوند؛ یعنی وظیفه‌ی احترام به پدر در اینجا تسلیم شد. احترام به پدر خوب است ولی اگر در مقابل امر خداوند باشد، بد است که در قرآن هم توصیه به احترام پدر و مادر خیلی شده، اما می‌گوید: مبادا به شرک تو را وادار کند. بنابراین اگر به آن شکل باشد، آن شیطان است ولی غیر از آن باشد، فرشته است. وقتی علی می‌رفت که از پدر اجازه بگیرد، آن احترام به پدر و مادر به صورت شیطان بود یعنی می‌گفت: پدر و مادر از خدا بالاتر هستند. بعد که دم در رفت، این شیطان تسلیم او شد. گفت: نه، پدر و مادر بالاتر از خدا نیستند و برگشت.

رقابت را که خیلی مثال هم زده‌ام یک خصلت است و هر

کسی دلش می‌خواهد در هر رشته‌ای که هست، ترقّی کند و از اینکه پیشرفت قوم و خویش و رفیق خود را می‌بیند در او اثر می‌کند؛ این اثر حالا ممکن است به این صورت باشد که بخواهد آنها را پایین بکشد، می‌گوید: این چه وضعی است؟ او که هیچی نداشت به همه‌ی این مقامات رسیده ولی من نرسیدم، پس او را خراب کند. دیگری همین وضع را می‌بیند، ناراحت هم می‌شود منتها می‌گوید: چرا من زحمت نکشم؟ ببینم او چه کار کرده که آن قدر بالا رفت، من هم بکنم. این خصلت را می‌بینید که به دو صورت است: یکی فرشته‌ای است که به امر خدا تسلیم می‌شود و انسانیت را سجده می‌کند و امر خدا را اطاعت می‌کند و دیگری فرشته‌ای است که غرور او را بر می‌دارد و طغیان می‌کند، آن صفت اوّلی خوب است که کسی نتیجه بگیرد و فعّالیتش زیاد شود؛ پیغمبر می‌فرماید: تمام صفاتی که به این صورت نزد من هست تسلیم شده‌اند، یعنی به اختیار من درآمده‌اند. اینها به اصطلاح شیاطین کوچک هستند که در هر انسانی وجود دارد.

بنابر این در عمومی شدن عرفان و ولایت و جهانی شدن آن تردیدی نیست، چون همه‌ی افراد انسان مخلوط از فرشته و شیطان هستند و این امر مانع فعّالیت ما نمی‌شود، ما باید فعّالیت کنیم برای خود که در این مورد اگر فعّالیت کنیم، دارای صفات

خوب می شویم و هر کسی هم که این کار را بکند؛ نتیجه‌ی کارش
این می‌شود که همه خوب خواهند بود.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ^۱

در مقایسه‌ی تخلف و تمرد شیطان و حضرت آدم بارها گفته‌ام. البته خداوند آدم را و خلقت آدم را در واقع وسیله‌ی امتحان کرد مثل ورقه‌ی امتحانی که می‌دهند و تستی است. شیطان ورقه‌ی تست خود را غلط زد. فرشته‌های دیگر درست زدند. خدا به فرشته‌ها گفت: شما باشید، ولی به شیطان گفت: تو برو بیرون رفوزه شدی. بعد آن را چند میخه کرد، وقتی گفت که چرا سجده نکرده‌ای؟ گفت: من از او بهتر هستم. یعنی برای خود بزرگی قائل شد و گفت بزرگتر از کس دیگری که خدا آفریده است. خدا گفت: اینجا جای اینکه تکبر کنی نیست. کبر از جانب ما گناه است چون بزرگ نیستیم به قول آن نویسنده‌ی فرانسوی ضعف و عظمت انسان، همین بس که انسانی به عظمت سیاسی کرامول، که همه کار می‌کند، همین انسان از سنگ کلیه مرد؛ یعنی چیزی به اندازه‌ی ارزن یا نخود او را کشت. این ضعف انسان و این هم عظمت انسان ولی اینها هیچکدام متعلق به خود او نیست. خدا گفت: ضعیف باش، ضعیف شد. گفت: خوب شو، خوب شد. بنابراین انسان نباید این تکبر را داشته باشد برای اینکه بزرگی ندارد که بزرگی نشان دهد ولی یکی از صفات خود خداوند تکبر

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۸۷/۱/۱۴ ه. ش.

است. خداوند متکبر است چون کبیری بالاتر از او نیست ولی به شیطان می‌گوید: حق نداری کبر داشته باشی. خداوند متکبر است برای اینکه ما بفهمیم که بزرگ است و الا به چه کسی می‌خواهد تکبر کند؟

بعد از اینکه تکبر موجب شد که شیطان بیرون برود، یک بلای دیگر هم سر او آمد و آن حسادت بود. ببینید یک صفت بد و یک انحراف ممکن است چندین انحراف دیگر بیاورد. وقتی گفتند: برو بیرون، گفت: می‌روم اما به من تا روز قیامت مهلت بده. خداوند قبول کرد و شیطان گفت: همین بنده‌ای را که تو آنقدر به او پرو بال می‌خواهی بدهی و هنوز در واقع خلقت کامل ندارد، من گمراه می‌کنم مگر بندگان مخلص تو را. إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ، در واقع شیطان می‌گوید یک سهم کوچکی برای خود تو می‌گذارم، مابقی همه برای من است. این عیب سوم است؛ عیب اول تکبر، به دنبال آن حسادت و سومی یعنی اینکه خداوند از من ضعیف‌تر است و من قدرت دارم. بعضی این در امان بودن را برای کسانی می‌دانند که معصوم هستند و اصلاً گناه ندارند و حال آنکه چنین نیست، کسانی که گناه می‌کنند و توبه می‌کنند و پاک می‌شوند و خدا آنها را می‌بخشد اینها هم می‌شوند عِبَادَكَ الْمُخْلِصُونَ، اینها خیلی کم نیستند، زیاد هستند، نگران نباشید. خداوند خیر آفریده است.

از قدیم فلاسفه می‌گفتند که از خیر جز خیرزاییده نمی‌شود. پس خداوند که خیر مطلق است، از او جز خوبی و خیرزاییده نمی‌شود. پس این همه شرّ چیست؟ خدایا تو خود شیطان را آفریده‌ای! به آهو می‌گویی بدو، به سگ می‌گویی بگیرش. نمی‌شود بگویی هر دو سر جای خود بایستند، این راحت باشد او هم همینطور؟ ولی خداوند شیطان را هم آفرید شیطان ممتحن بزرگی است. حتی در مورد حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام صریحاً در انجیل آمده که بعد از اینکه حضرت چله‌ای در بالای کوه گرفت، خداوند ممتحن بزرگ یعنی شیطان را برای او فرستاد و عیسی تست‌ها را درست زد و از امتحان سربلند بیرون آمد و به ممتحن گفت: حالا دیگر من از تو هم بالاتر هستم. همین ممتحن را برای حضرت ابراهیم هم چندین بار فرستاد که هفت بار رمی جمره اشاره به آن دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ^۲، شیطان‌ها به دوستان خودشان وحی می‌کنند؛ البته وحی الهی که به پیامبران می‌شود، چیز دیگری است. منظور آن وحی است که به کلی در طبیعت هست و شبیه آن وحی است که خداوند به زنبور عسل کرد. به او وحی کرد که چه کارهایی بکن و با آن وحی شربتی به نام عسل از زنبور ساخته می‌شود که شفا دارد.

شیطان هم می‌داند که اگر به دوستانش اظهار محبت بکند، آنها را در دوستی خودش محکم می‌کند. مادامی که در این دنیا هستیم یعنی دوران پاداش نرسیده و دوران عمل است، این محبت را می‌کند، برای اینکه دوستان خودش را جلب کند و به طرف خود بکشاند که باز هم گناه کنند. این کارش با وسوسه است، وسوسه‌ای که در دل‌ها می‌کند. گناه را در نظر ما لذیذ جلوه می‌دهد یا گناه را در نظر ما آسان جلوه می‌دهد و همیشه این کار را می‌کند. اینکه می‌گوییم: مِنْ سَرِّ الْأَوْسَائِسِ الْخَنَاسِ^۳ و از آن به خدا پناه می‌بریم، این است که او همیشه دنبال جلب دوستی ماست.

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح شنبه، تاریخ ۱۳۸۷/۱/۳۱ ه. ش. (جلسه برادران ایمانی)

۲. سوره انعام، آیه ۱۲۱.

۳. سوره ناس، آیه ۴.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

گناه شیطان را نبخشید چون شیطان به خداوند گفت: تو مرا گمراه کردی و من هم اینها را گمراه کردم که در واقع گمراهی را به خدا نسبت داد. ولی ما می‌گوییم: مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ^۲، هر نیکی که به تو می‌رسد از جانب خداوند است و هر شرّی که به تو می‌رسد از جانب خودت می‌باشد. شیطان چون مدّت‌ها در صف فرشتگان بود، این حرف را می‌دانست؛ ولی این جسارت را کرد و گفت: رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي^۳، پروردگارا چون مرا گمراه کردی، من هم آدم را گمراه می‌کنم. آدم نمی‌دانست چیزی هم نگفت، نه آن حرف را گفت نه چیز دیگری. همین که خداوند فرمود: برو بیرون، گفت: چشم. آمد بیرون، آمد همین جا که ما هستیم، ما را به اینجا آورد. بعد خود خداوند: فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ^۴، خود آدم از خداوند معافی‌ای دریافت کرد و خداوند توبه‌ی او را پذیرفت. «کلمه» به معنای معنی هم هست، می‌گویند: در ابتدا کلمه بود، کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود و کلمه متجسّد شد و عیسی مسیح گردید. یا خدا در قرآن،

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح شنبه، تاریخ ۱۳۸۷/۲/۲۱ ه. ش. (جلسه برادران ایمانی)

۲. سوره نساء، آیه ۷۹.

۳. سوره حجر، آیه ۳۹.

۴. سوره بقره، آیه ۳۷.

عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ را کَلِمَةُ اللَّهِ^۱ می گوید. این کلمات را و این معنا را از خدا دریافت کرد. حالا مثل اینکه آن حرفی را که شیطان زد، آدم هم شنید، خدا به آدم تعلیم داد که بگوید: مَا أَضَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ مَا أَضَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ. در نتیجه، آدم خطای شیطان را فهمید، وقتی خطای شیطان را فهمید، فهمش بالا رفت، لیاقت پیدا کرد که خداوند به او یاد داد، بگو: رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا^۲، خدایا ما خودمان، یعنی دو نفری، آدم و حوّا، ما خودمان به خودمان ظلم کردیم؛ وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا، بنابراین اولاً بیرون کردن از بهشت مجازات نبود به دلیل اینکه بعداً خداوند هم اجازه داد و یک راه هایی نشان داد که از این راه بیایید، از راهی که می روید سنگلاخ است و اصلاً نمی رسید ولی از آنجا بیایید، آسفالت است که دوباره به اینجا می آیید. خداوند اگر هم خطایی از آدم در اینجا دید و حقّ الله برگردن آدم بود و می خواست به کلی ببخشد، تمام عوارضش را هم می بخشید. یکی از عوارض آن این است که ما فرزندان آدم (بنی آدم) آیا به آنجایی که خداوند به او وعده داده، راه داریم؟ نه، حضرت آدم (پدر ما) هم ناراحت می شود از اینکه خیلی ها به بهشت نمی روند، ان شاء الله که ما همه می رویم، امیدوارم.

۱. سوره توبه، آیه ۴۰.

۲. سوره اعراف، آیه ۲۳.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

خداوند به حضرت آدم در آیه‌ای می‌فرماید: مَا أَضَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَضَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ^۲، شیطان این را می‌دانست ولی مع‌ذلک گمراهی را به خدا نسبت داد. بعضی‌ها را می‌گویند شیطان پرست هستند؛ نه این شیطان پرست‌ها که امروزه مشهور هستند بلکه آنها که از شیطان تعریف‌هایی می‌کنند، البته نه از کلّ خصوصیات شیطان، ممکن است شما یک نفر را نپسندید، ولی می‌گویید: ماشاءالله حافظه‌ی قوی دارد یا می‌گویید: ماشاءالله چشم تیزی دارد؛ عیب‌هایی دارد، این حُسن را هم دارد.

شیطان به خیال خود حرف درستی گفت، اما هرراستی را که نمی‌شود گفت. شیطان به آن درجه رسیده بود که در صف فرشتگان بود، معلوم می‌شود به درجه‌ای رسیده بود که همه چیز را از خداوند می‌دید. این است که گفت: من را هم خود تو گمراه کردی، به جهت اینکه مرا گمراه کردی، من این کار را می‌کنم. معلوم می‌شود درجه‌ی فهم و درک او عالی بود که همه چیز را از خدا می‌دانست.

اما شیطان دو خطا کرد: اولاً صریحاً این سخن را گفت،

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح شنبه، تاریخ ۱۳۸۷/۲/۲۱ ه. ش.

۲. سوره نساء، آیه ۷۹.

برخلاف اینکه خداوند گفته بود: بدی‌هایی که هست از خود توست، او این بدی‌ها را هم به خدا نسبت داد و ثانیاً خود را یکی حساب کرد و خدا را هم یکی. گفت با من این کار را کرده‌ای، من هم این کار را می‌کنم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^۱

خدا به بشر شیطان را نشان داد و از او عهد گرفت و گفت: **الْمَأْأَهْدُ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ**^۲، ای فرزندان آدم آیا من از شما پیمان نگرفتم که شیطان شما را فریب ندهد؟ شیطان چطور فریب می‌دهد یا به چه شکلی است؟ به قول سعدی که می‌گوید:

ندانم کجا دیده‌ام در کتاب

که ابلیس را دید شخصی به خواب

کتاب *صحرای محشر* جمالزاده (مثل اینکه آن را تجدید چاپ نمی‌کنند) در این باره بسیار کتاب جالبی است. آنجا ابلیس را وصف کرده که خیلی زیبا و برازنده است. کسی از او پرسید: تو چه کسی هستی؟ گفت: من ابلیسم. پرسید: ما وقتی ابلیس را مجسم می‌کردیم، اینطور نبود. گفت: قلم در دست دشمن است. دشمن این تصویر را می‌کشد و باید اینطور بکشد و الاً حقیقتاً اینطور نیست. شیطان دشمن ماست و ما هم دشمن او هستیم. منتها دشمنی است که از اطاعت خدای خود خارج نشده، یعنی خدا او را مأمور آزمایش همه‌ی افراد بشر کرده است. همه‌ی شما جلسات امتحان را دیده‌اید. یک ممتحن، یک بازرس، بالای سر شاگردان می‌ایستند. بعضی از ممتحن‌ها متوجه شاگردان نیستند و بعضی‌ها

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲۲ ه. ش.

۲. سوره یس، آیه ۶۰.

خیلی سخت گیر هستند. شاگردها می گویند: عجب کسی است. حالا خداوند شیطان را یک ممتحن سخت گیر آفریده، ولی ممتحن سخت گیر هم با شاگردی که همه ی درس های خود را خوانده کاری ندارد و حتی احوال پرسى هم می کند و می گوید: من این درس هایی را که تو خوانده ای بلد نیستم، من فقط بازرس هستم.

در/ناجیل آمده که عیسی عَلَيْهِ السَّلَام بعد از تشرّف نزد حضرت یحیی عَلَيْهِ السَّلَام، چهل روز ریاضت کشید. بعداً ممتحن بزرگ یعنی شیطان برای او فرستاده شد که سه بار او را امتحان کرد که شرحش مفصّل است. منظور اینکه، همانطور که ممتحن تابع شاگرد خوب است (پیغمبر هم می گوید: إِنَّ اللَّهَ أَعَانَنِي عَلَى سَيْطَانٍ حَتَّى أَسْلَمَ عَلَى يَدَي، خداوند در مقابل شیطان به من کمک کرد تا اینکه تسلیم دست من شد) همانطور هم با شاگرد تنبل یا شاگرد متقلّب، سخت گیر است، به اصطلاح شلاقی است. شیطان اینطور دشمنی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

حسادت اول از شیطان ظاهر شد. شیطان ابتدا در صف فرشتگان بود. تصوّر کنید که خدا اجازه داده بود شیطان در صف فرشتگان باشد. در قرآن هم آمده که خداوند خطاب به فرشتگان گفت: به آدم سجده کنید. همه الا ابلیس سجده کردند. ابلیس را هم در صف فرشتگان حساب کرده است. البته در آیه‌ی دیگری می‌گوید: ابلیس از فرشتگان نبود؛ كَانَ مِنَ الْجِنِّ^۲، از جن بود و از دستور خداوند تخطی کرد.

ممکن است بگویید چرا خدا ابلیس را یک مدّت در صف فرشتگان نگه داشت، احترام او را هم مثل فرشتگان مقرب کرد؟ او از اول بد بود؟ نه! تا وقتی که امر خدا را اطاعت می‌کرد، جزء فرشتگان بود. حسادت هم یکی از ابلیس‌ها است. البته حسادت وقتی تخطی از امر خدا باشد نام آن حسادت است و الهی نیست. شب جمعه در حسینیّه صحبت ظلم و عدل شد که عدل این است که وَضِعَ شَيْءٍ فِي مَوْضِعٍ لَهُ، هر چیزی سر جای خود باشد. ظلم یعنی وَضِعَ شَيْءٍ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ لَهُ، هر چیزی سر جای خود نباشد. این عدل و

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح شنبه، تاریخ ۱۳۸۷/۴/۲۹ ه. ش. (جلسه خواهران ایمانی)

۲. سوره کهف، آیه ۵۰.

ظلم است. خداوند عدل خواهی را در فطرت بشر گذاشته است. وقتی بشر را خلق کرد و صرفاً رگ و پوست بود و هنوز از روح خود در او ندیده بود، به فرشتگان و حتی شیاطین اجازه داد بیایند در همه‌ی اعصاب و رگ و پیوند او بگردند و او را بشناسند. اینها آمدند و گشتند. به همین دلیل بدانید شیطان از رگ و پیوند ما خبر دارد، فرشتگان هم آگاه هستند، همه آمده بودند، به جایی رسیدند، دیدند در آنجا قفل است، همه رد شدند، چون خدا گفته بود بگردید و وقتی دری قفل بود کار نداشته باشید. شیطان فضولی کرد، ایستاد و پرسید که چرا این در قفل است؟ آن را باز کنید تا من بینم. خداوند فرمود: اینجا جایگاه من است، جای تو نیست. (حالا نمی دانم فرشتگان خبر داشتند که شیطان چنین فضولی کرده یا نه؟) ولی خود شیطان و شیطانک‌ها خبر داشتند. بنابراین ما هم تا جایی که در اختیار ماست باید شیطان را به این اتاق راه ندهیم. این اتاقی است که اسم آن را به اصطلاح عرفا «دل» گذاشته اند. شیطان فضولی کرد و پرسید: چرا درِ اتاقِ دل قفل است؟ (باید گفت به تو چه که چرا قفل است؟) خداوند فرموده: هر جا را که باز است بگردید. بله، اگر شیطان نبود و جبرئیل می پرسید، می گفتیم، می خواهد چیزی یاد بگیرد ولی شیطان حقه باز شد. شیطان از همان اوّل که خداوند اعلام کرد: اِنِّی

خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ^۱، إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً^۲، از همانوقت حسادت او به بشر شروع شد. برای اینکه شیطان دید این موجودی که خدا بعد از همه‌ی موجودات خلق کرده، این خلقت جوان تر از همه، اتاقی برای خود قرار داده و با هیچیک از فرشته‌ها این کار را نکرد. حسادت از اینجا ناشی شد. باید شیطان این فکر را می‌کرد که خالق همه‌ی موجودات و خالق همه‌ی صفات و حالات، خداوند است، او این کار را کرده است.

شیطان از همان اوّل به خدا گفت حالا ببین چه کار می‌کنم، این موجودی که تو آفریدی و به این شکل او را درست کرده‌ای، سر راه او می‌ایستم و او را گمراه می‌کنم و به دنبال خود می‌آورم یعنی ادّعا کرد که من هم یکی مثل تو هستم. او در مقابل خدا ادّعا کرد، خود او هم می‌دانست که اینطور نیست. کما اینکه در یکی از جنگ‌ها که آمد دشمنان اسلام را گول بزند، گفت: من هم با شما می‌آیم. بعد وقتی لشکر اسلام و پیغمبر را دید، آهسته فرار کرد و گفت: من چیزهایی می‌بینم که شما نمی‌بینید. البته بعضی می‌گویند: خداوند در روز قیامت شیطان را هم می‌بخشد. نمی‌دانم، خودش می‌داند ما نمی‌فهمیم، خداوند فقط ما را از شیطان حفظ کند. هر کار می‌خواهد بکند فقط ما را ببخشد.

۱. سوره ص، آیه ۷۱.

۲. سوره بقره، آیه ۳۰.

به هر حال یکی از آن شیطنت‌ها حسادت است. یکی از شیطان‌هایی که در صف فرشتگان بودند و تمرد کردند و از صف فرشتگان بیرون آمدند حسادت است. به بعضی از عرفا ایراد می‌گیرند که شیطان پرست هستند چون از شیطان تعریف کرده‌اند. ولی این کار از این جنبه است که می‌گویند شیطان گفت: من فقط خدا را می‌پرستم، نمی‌توانم کس دیگری را بپرستم و سجده کنم. در حالیکه این هم حقه بازی شیطان بود. خود او که می‌دانست، خداوند نگفته بود که مثلاً وقتی گل را مجسمه کردم سجده کن. فرمود: وقتی از روح خود در او دمیدم بر او سجده کن. این سجده بر روح خدا است، نه سجده به آب و گل.

عدالت خواهی را هم خداوند در فطرت بشر گذاشته. اگر عده‌ای ظلم می‌کنند و می‌گویند این ظلم نیست، عدل است، ما باید سروری کنیم، عدالت این است و به این دلیل، این کارها را می‌کنیم، اینها ظاهر سازی است و فریب دادن خود و دیگران. عدالت خواهی در فطرت بشر است منتها هر کس ظلم را در دیگری دیده و عیب خود را نمی‌بیند. با توجه به این حس فطری عدالت خواهی است که شخص نگاه می‌کند می‌بیند که جای خودش پایین است، نباید اینجا باشد، باید بالاتر باشد، از کجا می‌فهمد؟ ملاکی که به او داده‌اند این است که می‌بیند فلان کس و

فلان کس از او خیلی بالاتر هستند و خیلی چیزهای بهتر دارند که او ندارد، می‌گویند من هم باید داشته باشم. در مورد شیطان هم اینطور بود. آن شیطانی که در صف فرشتگان بود اگر در همین جا به فکرش می‌آمد که تو هم زحمت بکش که همان چیزها را به دست آوری، برو به سمت تکامل، در این صورت اشکالی نداشت. همان فرشته باقی می‌ماند و بعد خداوند هم احیاناً توفیق به او می‌داد که به مقامات بالاتر برسد. ولی شیطان ناراحت شد و گفت: چرا این مقام خلافت خود را در زمین به این مجسمه گلی دادی، به من ندادی؟ من که از او بالاتر هستم، اَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ^۱، مرا از آتش آفریدی او را از خاک، پس من از او بالاتر هستم. اگر به جای این حرف توجه می‌کرد که چرا این موجود بر او برتری دارد، می‌فهمید که آن به دلیل نفخه‌ی الهی است. به واسطه‌ی وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي است. در واقع خداوند خلافت و نمایندگی خود را به کسی نداد، اصلاً خود خدا بود که جزئی از خود را به بشر داد که در ارض خلافت کند. شیطان اگر در همین جا می‌ایستاد و فکر می‌کرد که من جایگاهم اینجا نیست و باید خیلی بالاتر باشم، چه در مقام ظاهری و چه در مقام معنوی و چه هر چیز دیگری و خیال می‌کرد که خیلی عقب افتاده و فکر می‌کرد که چرا

عقب افتاده؟ و بعد تلاش کند که آنها را مرتفع کند، دیگر شیطان نبود و در صف فرشتگان مانده بود.

پیغمبر آن شیطانی را که در صف ملائکه بود، نگذاشت از صف خارج شود و در همان صف ننگه داشت، پیغمبر گفت: شیطان من تسلیم دست من شد یعنی در همان صف ماند. اما اگر فکر می‌کرد می‌دید آن کسی که مورد حسادت است، زحمت و ناراحتی‌ها کشیده تا موهبت الهی برای او آمده و قدر دانسته، آنوقت می‌فهمید که خداوند به هر کس، به هر اندازه که خواست محبت می‌کند و به او نعمت می‌دهد و همه چیز در اختیار خداوند است. اگر این فکرها را می‌کرد، دیگر قدم در راه بد نمی‌گذاشت و به این می‌پرداخت که ببیند خودش چه می‌تواند بکند. یا به اینجا می‌رسید که به خود می‌گفت: نه، من مرد این راه نیستم، او خیلی بالاتر از من است و جای من همین جاست، یا اینکه تلاش و فعالیت معنوی یا مادی بیشتری انجام می‌دهد تا جلو برود. در این قسمت، اسم آن حسادت نیست. تا اینجا حسادت با فعالیت و رقابت مشترک است ولی از اینجا جدا می‌شود. حسود می‌بیند که چون نمی‌تواند خود را بالا بکشانند، می‌خواهد آن کسی را که مورد حسادت

اوست پایین بکشد. حال آنکه باید این فکر را بکند که این جهاتی که باعث حسادت در او شده چیست، چرا اینطور شده؟ هر کدام را می‌تواند جبران کند و خودش فعالیت کند و یا همان جا بایستد و به امر خدا راضی شود. خود این هم یک موهبتی است که به امر خدا راضی شود.

فهرست جزوات قبل

شماره	عنوان	تیمت
۱	گفتارهای عرفانی ^۱ (قسمت اول - دی و بهمن ۱۳۸۶)	
۲	گفتارهای عرفانی (قسمت دوم - بهمن ۱۳۸۶ تا فروردین ۱۳۸۷)	
۳	گفتارهای عرفانی (قسمت سوم - اسفند ۱۳۸۶ تا خرداد ۱۳۸۷)	
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت اول)	
۴	گفت وگوهای عرفانی ^۲ (قسمت اول - متن ۶ مصاحبه - تابستان و آذر ۸۶ اردیبهشت، مرداد و آذر ۸۷)	مجموعه شماره یک: ۸۰۰۰ تومان (شامل ۱۳ جزوه)
۵	مکاتیب عرفانی ^۳ (قسمت اول ۷۶-۱۳۷۵)	
۶	استخاره (همراه با سی دی صوتی)	
۷	مقدمه ی روز جهانی درویش	
۸	مکاتیب عرفانی (قسمت دوم ۷۹-۱۳۷۷)	
۹	گفتارهای عرفانی (قسمت چهارم - اردیبهشت، خرداد و تیر ۱۳۸۷)	
۱۰	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجم - تیر ۱۳۸۷)	
۱۱	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم - مرداد و شهریور ۱۳۸۷)	
۱۲	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتم - شهریور ۱۳۸۷)	
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دوم)	
۱۳	خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده (قسمت اول)	مجموعه دو: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)
۱۴	حقوق مالی و عشریه (قسمت اول)	
۱۵	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتم - مهر ۱۳۸۷)	
۱۶	مکاتیب عرفانی (قسمت سوم ۱۳۸۰)	

۱. گفتارهای عرفانی: بیانات صبح‌های شنبه، یک‌شنبه، چهارشنبه، پنج‌شنبه، جمعه و مناسبت‌ها.

۲. گفت وگوهای عرفانی: مجموعه ی مصاحبه‌ها.

۳. مکاتیب عرفانی: مجموعه ی پاسخ به نامه‌ها.

مجموعه سه: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت نهم - مهر ۱۳۸۷)	۱۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت دهم - مهر و آبان ۱۳۸۷)	۱۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت یازدهم - آبان ۱۳۸۷)	۱۹
	گفتارهای عرفانی (قسمت دوازدهم - آبان و آذر ۱۳۸۷)	۲۰
	گفتارهای عرفانی (قسمت سیزدهم - آذر ۱۳۸۷)	۲۱
مجموعه چهار: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (قسمت اول)	۲۲
	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (قسمت اول)	۲۳
	شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت اول)	۲۴
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت سوم)	-
	مکاتیب عرفانی (قسمت چهارم ۸۱-۱۳۸۰)	۲۵
مجموعه پنج: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت چهاردهم - مردادالی آذر ۱۳۸۷)	۲۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت پانزدهم - آذر ۱۳۸۷)	۲۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت شانزدهم - آذر و دی ۱۳۸۷)	۲۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفدهم - دی ۱۳۸۷)	۲۹
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت چهارم)	-
مجموعه شش: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت هجدهم - دی و بهمن ۱۳۸۷)	۳۰
	گفتارهای عرفانی (قسمت نوزدهم - بهمن ۱۳۸۷)	۳۱
	گفتارهای عرفانی (قسمت بیستم - اسفند ۱۳۸۷)	۳۲
	گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و یکم - اسفند ۱۳۸۷)	۳۳
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت پنجم)	-
۲۰۰ تومان	نقشه راهنمای موقعیت مزار سلطانی بیدخت در کشور ایران	-
مجموعه هفت: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	مکاتیب عرفانی (قسمت پنجم ۸۳-۱۳۸۲)	۳۴
	مکاتیب عرفانی (قسمت ششم ۱۳۸۴)	۳۵
	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (قسمت دوم)	۳۶
	شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت دوم)	۳۷
	مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها (قسمت اول)	۳۸

		مکاتیب عرفانی (قسمت هفتم ۸۷-۱۳۸۴)	۳۹
مجموعه هشتم: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)		شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت سوم)	۴۰
		شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت چهارم)	۴۱
		شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (قسمت دوم)	۴۲
		مجموعه دستورالعمل ها و بیانیه ها (قسمت دوم)	۴۳
مجموعه نهم: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و دوم - فروردین ۱۳۸۸)	۴۴
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و سوم - فروردین ۱۳۸۸)	۴۵
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و چهارم - فروردین ۱۳۸۸)	۴۶
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و پنجم - اردیبهشت ۱۳۸۸)	۴۷
		شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت ششم)	-
مجموعه ده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و ششم - مرداد ۱۳۸۹)	۴۸
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و هفتم - مرداد و شهریور ۱۳۸۹)	۴۹
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و هشتم - شهریور ۱۳۸۹)	۵۰
		گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و نهم - شهریور و مهر ۱۳۸۹)	۵۱
		گفتارهای عرفانی (قسمت سی ام - مهر ۱۳۸۹)	۵۲
		گفتارهای عرفانی (قسمت سی و یکم - اردیبهشت ۱۳۸۸)	۵۳
مجموعه یازده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)		گفتارهای عرفانی (قسمت سی و دوم - اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۸)	۵۴
		گفتارهای عرفانی (قسمت سی و سوم - خرداد ۱۳۸۸)	۵۵
		گفت و گوهای عرفانی (قسمت دوم - عرفان در کار اداری - بهار و تابستان ۱۳۸۹)	۵۶
		گفتارهای عرفانی (قسمت سی و چهارم - خرداد ۱۳۸۸)	۵۷

	۵۸	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و پنجم - خرداد و تیر ۱۳۸۸)
	۵۹	درباره‌ی حقوق مالی و عشریه (قسمت دوم)
	۶۰	خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده (قسمت دوم)
	۶۱	گفت‌وگوهای عرفانی (قسمت سوم - سال‌های ۸۹ - ۱۳۸۸)
	۶۲	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت اول)
مجموعه دوازده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۶۳	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت دوم)
	۶۴	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت سوم)
	۶۵	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت چهارم)
	۶۶	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و هشتم - تیر ۱۳۸۸)
	۶۷	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و هفتم - تیر ۱۳۸۸)
مجموعه سیزده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۶۸	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و هشتم - تیر و مرداد ۱۳۸۸)
	۶۹	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و نهم - مرداد و شهریور ۱۳۸۸)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت هفتم)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت هشتم)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت نهم)
مجموعه چهارده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۷۰	مُلَخَّص گزارشات در مورد عرفان (هدیه نوروزی ۱۳۹۰)
	۷۱	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل - شهریور ۱۳۸۸)
	۷۲	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و یکم - شهریور ۱۳۸۸)
	۷۳	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و دوم - مهر ۱۳۸۸)
	۷۴	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و سوم - مهر ۱۳۸۸)
	۷۵	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و چهارم - مهر ۱۳۸۸)
	۷۶	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و پنجم - مهر و آبان ۱۳۸۸)
	۷۷	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و هشتم - آبان ۱۳۸۸)
	۷۸	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و نهم - آبان و آذر ۱۳۸۸)
	۷۹	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و هشتم - آذر ۱۳۸۸)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دهم)
مجموعه پانزده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	۸۰	شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق)
	۵۰۰ تومان	

۸۱	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت اول)	
۸۲	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت دوم)	
۸۳	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت سوم)	
۸۴	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت چهارم)	
۸۵	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت پنجم)	
۸۶	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت ششم)	
۸۷	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت هفتم)	
۸۸	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت هشتم)	
۸۹	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت نهم)	
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت یازدهم)	
۹۰	مکاتیب عرفانی (اسفند ۱۳۷۵ الی خرداد ۱۳۸۷)	۵۰۰ تومان
۹۱	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و نهم)	
۹۲	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاهم)	
۹۳	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و یکم)	
۹۴	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و دوم)	
۹۵	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و سوم)	
۹۶	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و چهارم)	
۹۷	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و پنجم)	
۹۸	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و ششم)	
۹۹	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و هفتم)	
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دوازدهم)	
۱۰۰	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (جلد اول)	۵۰۰ تومان

مجموعه شانزده:
شامل ۱۰ جزوه
۱۰۰۰ تومان

مجموعه هفده:
شامل ۱۰ جزوه
۱۰۰۰ تومان

	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و هشتم)	۱۰۱
	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و نهم)	۱۰۲
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصتم)	۱۰۳
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و یکم)	۱۰۴
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و دوّم)	۱۰۵
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و سوّم)	۱۰۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و چهارم)	۱۰۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و پنجم)	۱۰۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و ششم)	۱۰۹
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت سیزدهم)	-
۵۰۰ تومان	شرح رساله شریفه پندصالح (جلد اوّل)	۱۱۰
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و هفتم)	۱۱۱
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و هشتم)	۱۱۲
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و نهم)	۱۱۳
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادم)	۱۱۴
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و یکم)	۱۱۵
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و دوّم)	۱۱۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و سوّم)	۱۱۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و چهارم)	۱۱۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و پنجم)	۱۱۹
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت چهاردهم)	-
۵۰۰ تومان	شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (جلد اوّل)	۱۲۰
۵۰۰ تومان	درباره‌ی مزار سلطانی بیدخت و شرح زندگی و حالات اقطاب اخیر	۱۲۱
۵۰۰ تومان	شرح رساله شریفه پندصالح (جلد دوّم)	۱۲۲
۵۰۰ تومان	فهرست موضوعی جزوات	۱۲۳
۵۰۰ تومان	درباره‌ی ذکر و فکر	۱۲۴

مجموعه هجده:
۱۰۰۰ تومان
(شامل ۱۰ جزوه)

مجموعه نوزده:
۱۰۰۰ تومان
(شامل ۱۰ جزوه)

مجموعه بیست: ۵۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادوششم)	۱۲۵
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادوهفتم)	۱۲۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادوهشتم)	۱۲۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادونهم)	۱۲۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادم)	۱۲۹
۲۰۰ تومان	درباره‌ی بیعت و تشرّف	۱۳۰
مجموعه بیست و یک: ۵۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادویکم)	۱۳۱
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادودوم)	۱۳۲
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوسؤم)	۱۳۳
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوچهارم)	۱۳۴
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوپنجم)	۱۳۵
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوششم)	۱۳۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوهفتم)	۱۳۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوهشتم)	۱۳۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادونهم)	۱۳۹
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت پانزدهم)
مجموعه بیست و دو: ۵۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت نودم)	۱۴۰
	گفتارهای عرفانی (قسمت نود و یکم)	۱۴۱
		۱۴۲
		۱۴۳
	پرسش و پاسخ	۱۴۴
	با گزیده‌هایی از بیانات	۱۴۵
	حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده	۱۴۶
	(مجدوب علیشاه)	۱۴۷
		۱۴۸
		۱۴۹

۲۰۰ تومان	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (جلد دوّم)	۱۵۰
	درباره‌ی دعا (قسمت اوّل)	۱۵۱
	درباره‌ی خواب و رویا (قسمت اوّل)	۱۵۲
	درباره‌ی بیماری و شفا	۱۵۳
		۱۵۴
		۱۵۵
	پرسش و پاسخ	۱۵۶
	با گزیده‌هایی از بیانات	۱۵۷
	حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده	۱۵۸
	(مجنوب‌علیشاه)	۱۵۹
		-
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت شانزدهم)	
۵۰ تومان	درباره‌ی روح (قسمت اوّل)	۱۶۰
۵۰ تومان	درباره‌ی دعا (قسمت دوّم)	۱۶۱
۵۰ تومان	درباره‌ی خواب و رویا (قسمت دوّم)	۱۶۲

مجموعه بیست و سه:
 ۵۰۰ تومان
 (شامل ۱۰ جزوه)